

همکاریهای اقتصادی کشورهای حوزه اقیانوس هند:

افقی نو بر بستر روابطی کهن*

مهناز بهروز**

طی دوران جنگ سرد، فضای روابط و بازرگانی بین المللی متأثر از تقسیم جهان به دو منطقه نفوذ، مانع از شکل گیری سازمانهای اقتصادی کارآمد در ورای مرزبندیهای دو قدرت بود. با تغییر این فضا، از اواخر دهه ۱۹۸۰، موج شتابنده ای از گرایش به نهادهای منطقه‌ای پدید آمده است. این موج، قبل از همه در میان مراکز اصلی قدرت و تجارت گسترش یافت. اتحادیه اروپا با شعار اروپای متحد، پیمان تجارت آزاد آمریکای شمالی (نتا)، قوت گرفتن همکاریهای تجاری و اقتصادی بین کشورهای جنوب شرقی آسیا در قالب آسه آن، نمونه‌های بارز این گرایش هستند.

گسترش بی‌سابقه اتحادیه‌ها و سازمانهای منطقه‌ای، معلول الزامات خاصی هر منطقه است اما انگیزه‌ها، هدفها و عملکرد تشکلهای منطقه‌ای، تفاوت‌های بسیاری با یکدیگر دارند. در حالیکه سازمان جهانی تجارت (W.T.O) تلاش قانونمندی برای آزادسازی و ادغام تجارت جهانی آغاز کرده است، برپایی اتحادیه‌های منطقه‌ای و نقش آنها در همسویی و یا تضاد با این تلاش، جای سؤال باقی می‌گذارد. در مقاله حاضر، برخی از مهمترین نظریه‌های اقتصاددانان در این ارتباط مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد و پیشینه عملکرد ترتیبات تجاری منطقه ای در سه گروه کلی کشورهای صنعتی، کشورهای در حال توسعه و ترکیبی از این دو مرور می‌شود.

تمرکز موضوعی مقاله حاضر، بر تلاش نوین یاد کشورهای واقع در حاشیه اقیانوس هند برای تشکیل یک اتحادیه منطقه‌ای است. کشورهای ساحلی این اقیانوس هنوز از یک اتحادیه منطقه‌ای یکپارچه و در یک مجموعه برخوردار نمی‌باشند، اگرچه قریب به اتفاق این کشورها در نهادها و سازمانهای منطقه‌ای فرعی، سابقه عضویت و فعالیت دارند. سابقه همکاریهای اقتصادی کشورهای ساحلی این اقیانوس در اتحادیه‌ها و سازمانهای منطقه‌ای، چشم انداز ظرفیت‌های موجود در یک همکاری وسیع منطقه‌ای، و پیشرفت و گستره اتحادیه به وجود آمده، از جمله مسائلی هستند که در این مقاله مورد اشاره قرار خواهند گرفت.

* این مقاله، بخشی از طرح تحقیقاتی انجام شده در مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی می‌باشد.
 ** مجری طرح تحقیقاتی «انریوستن ج.ا. ایران به همکاریهای تجاری کشورهای حاشیه اقیانوس هند» و پژوهشگر ارشد مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی.

۱. اشاره ای به نظریه های معاصر و نهاد های منطقه ای

از اواسط دهه ۱۹۸۰، تشکیل اتحادیه ها و تشکلهای منطقه‌ای شدت بی سابقه ای یافت و بسیاری از کشورها و مناطقی که تا این زمان دارای اتحادیه منطقه ای نبودند مذاکراتی به این منظور آغاز نمودند. در مطالعه هدفها و روند تکامل ترتیبات تجاری و تشکلهای منطقه‌ای، با موضوعهای متنوع و دلیلهای متفاوت برپایی و شکل گیری این گروه بندیها مواجه می شویم. هر چه قطب بندیهای سیاسی بیشتر رنگ می بازند و تضعیف می شوند، بلوک بندیهای اقتصادی بیشتر شکل می گیرند و تقویت می شوند. سازمانهای منطقه‌ای تلاش دارند با ایجاد امکانات سخت افزاری و نرم افزاری از قبیل مقررات تجاری، آزاد سازی، تسهیل ترانزیت و ترتیبات ترجیحی، منطقه خود را مورد حمایت قرار دهند. استفاده از این ابزارها ممکن است با هدفهای متفاوتی همراه باشد. دلایلی از جمله دنبال کردن منافع اقتصادی، انگیزه‌های سیاسی و اجتماعی، نگرانی از انزوا در محیط تجارت بین المللی، تقویت و حمایت از صنایع نوپا و تثبیت اصلاحات اقتصادی داخلی را می توان از جمله علتهای این گرایشها نام برد. در حالیکه معمولاً نمی توان یک علت را به طور غالب دلیل اصلی برپایی و شکل گیری بلوک های اقتصادی-تجاری دانست، موفقیت یک تشکل منطقه ای با اهداف اقتصادی را می توان یا به وجود آمدن منافع اقتصادی قابل لمس و به اصطلاح کتی برای اعضای آن قابل اندازه گیری و سنجش کرد. از اینرو، نظریه ها و بحثهای موافق و مخالف فراوانی در رابطه با تشکیل و نقش بلوکهای اقتصادی ابراز و منتشر شده است. اقتصاددان کانادایی، جاکوب واینر^۱ (۱۹۵۰)، در مقاله مشهور خود تحت عنوان "موضوع اتحادیه گمرکی"^۲ که از منشور هاوانا تا سازمان منحل شده تجارت جهانی^۳ را مورد بررسی قرار داده بود، نگرانی خود را در مورد این ترتیبات تجاری بیان داشت و نوشت که وقتی دو کشور بر اساس توافق، تعرفه های خود را در مورد کالاهای یکدیگر حذف می کنند ولی همین تعرفه ها را برای کالاهایی که از کشورهای ثالث وارد می شود حفظ می نمایند، منجر به بهبود سوددهی مبادله برای تاجران دو کشور می شود زیرا هر دو کشور محصولات همسایگانشان که قادر به تولید ارزانتر هستند را وارد می کنند. اما باید توجه داشت که در این حالت، تجارت منحرف می شود زیرا اکنون دو کشور، کالاهایی از یکدیگر می خرند که سابق بر این، از سایر کشورهایی که در تولید آنها کارآتر بودند وارد می کردند. پیام صریح واینر و طرفدارانش عبارت است از این که مناطق تجاری ترجیحی با تبعیض در آزادسازی تجارت، می توانند به تجارت اعضای خود و رفاه جهانی آسیب وارد آورند. نظریه واینر توسط بسیاری از اقتصاددانان معاصر مورد انتقاد قرار گرفته است. در مقابل نظریه واینر،

1. Jacob Viner

2. The Customs Union Issue

3. International Trade Organization (ITO)

نظریه 'شرکای طبیعی'^{۴۰} مطرح می‌شود. شرکای طبیعی بر مبنای وجود حجم تجارت بالا در میان دو یا چند کشور تعریف می‌شود. اقتصاد دانانی مانند پل وناکوت^۵ و مارک لوتز^۶ (۱۹۸۹) و نیز لورنس سومرز^۷ (۱۹۹۱) بر این باورند که ترتیبات تجاری منطقه‌ای، بدین لحاظ که طبیعی می‌باشند، منافعشان بیش از انحرافشان است. از طرف دیگر، پل کروگمن^۸ (۱۹۹۱) نیز به این نظر می‌پردازد که اگر چه تجارت بر مبنای مزیت نسبی استوار است، ولی تحت تاثیر مسایلی از قبیل جغرافیا نیز قرار دارد و حذف فاصله، هزینه‌های حمل و نقل راکاهش می‌دهد. همسایگان در چنین مناطقی در گستره وسیعی با یکدیگر به داد و ستد می‌پردازند و بدین ترتیب، انحراف تجاری بسیار اندک خواهد بود.

این نظریه‌ها مورد بحث و تجزیه و تحلیل اقتصاددانان و سیاستگذاران اقتصادی از جمله جادیش باگواتی^۹ اقتصاددان هندی تبار آمریکایی قرار گرفته است. او معتقد است که اقتصاددانان پیش گفته، موضوع ترتیبات تجاری منطقه‌ای را بصورت ایستا در نظر می‌گیرند و اثرات پویای این ترتیبات که با در نظر گرفتن عامل زمان در تسریع و یا کاهش موانع تجاری در تجارت جهانی سنجیده می‌شود، ملحوظ نمی‌نمایند. باگواتی دو مفهوم بلوکهای بازراننده^{۱۰} و بلوکهای سازنده^{۱۱} را مطرح می‌کند (باگواتی، ۱۹۹۶، ص ۸۳) که به دو مفهوم انحراف تجارت و ایجاد تجارت که توسط واینر مطرح شده بود، نزدیک است.

مسأله انحراف تجارت و یا بازراننده بودن یک شکل منطقه‌ای در رشد تجارت ملتها، به سادگی قابل اندازه‌گیری نیست و بدین لحاظ، به هدفها و اصول تشکیل یک منطقه تجاری باید توجه بیشتری معطوف شود. از جمله توجه به اینکه آیا یک منطقه تجاری به منظور ارتقای تجارت آزاد جهانی و پیشبرد اهداف آزادسازی تشکیل شده است، آیا به عنوان مثال موافقتنامه‌های منطقه‌ای می‌تواند آزادسازی مواردی را که تحت پوشش سازمان تجارت جهانی قرار دارند و یا هنوز در حیطه قوانین آن نگنجانده اند، تسریع کند.

از طرف دیگر، هدفها و اولویتهای مورد نظر کشورها در تجارت، مختلف است و انگیزه‌های روی آوری به ترتیبات تجاری و غیر تجاری منطقه‌ای، به یک یا دو عامل محدود نمی‌شوند. از میان علت‌های گوناگونی چون اجتناب از انزوا و تامین امنیت، تقویت بنگاههای اقتصادی داخلی در ورود به بازار جهانی و رقابتهای

4. Natural Trading Partners

5. Paul Wonnacott

6. Mark Lutz

7. Lawrence Summers

8. Paul Krugman

9. Jadhish Bhagwati

10. Stumbling Blocks

11. Building Blocks

بین‌المللی، تحقق آزاد سازی تجارت و اقتصاد، نمی‌توان یک عامل را به عنوان شاخص و علت گرایش به گروه بندیهای منطقه‌ای عنوان نمود. در مورد مطلوبیت و به دست آوردن نتایج مثبت و منفی ادغامهای اقتصادی منطقه‌ای، اختلاف نظرهای چشمگیری بین اقتصاد دانان و سیاست گذاران وجود دارد. حتی نگرانیهایی در مورد مغایرت اهداف سازمانهای منطقه‌ای با سازمان جهانی تجارت و تلاشهای این سازمان برای آزادسازی جهانی تجارت نیز وجود دارد.

۲. موضع سازمان جهانی تجارت

در سال ۱۹۷۱، اعضای موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت (گات) موافقت نمودند که ترتیبات تجاری منطقه‌ای، هر دو سال یکبار گزارش فعالیت خود را به دبیرخانه گات ارائه نماید. با وجود بحثهای طولانی در مورد چگونگی برخورد با سازمانهای منطقه‌ای، توافقی حاصل نشد و این عدم توافق به نوبه خود موجب شد که شکل و کیفیت ارائه گزارش تفاوتهای فراوانی با یکدیگر داشته باشند. بدین ترتیب، این مسأله به ندرت مورد بحث و توجه اعضای گات قرار گرفت و از سال ۱۹۸۷ تاکنون بررسی شایان توجهی در مورد این تشکیلهای صورت نگرفته و گزارشی نیز به این سازمان ارائه نشده است.

تاکنون، از ۸۰ گزارش سازمانهای منطقه‌ای که مورد بررسی کارشناسان گات قرار گرفته‌اند، تنها یک سازمان منطقه‌ای کاملاً منطبق با اصول و مقررات گات تشخیص داده شده است (سمپسون ۱۲، ۱۹۹۶، ص ۹۰). سازمان مذکور، اتحادیه گمرکی جمهوری چک و جمهوری اسلواک بود. از طرف دیگر، هیچ تشکل منطقه‌ای نیز بر خلاف اصول و مقررات گات، شناخته نشد اگر چه برخی از موافقتنامه‌های منطقه‌ای نقض آشکار اصول گات را در خود دارند. به‌رغم اینکه در دور اروگونه، سازمانها و ترتیبات تجاری منطقه‌ای نیز مورد توجه قرار گرفت ولی هنوز مسأله سازگاری مقررات و موافقتنامه‌های چند جانبه سازمان تجارت جهانی با ترتیبات منطقه‌ای، به جای خود باقی است. این عدم سازگاری، در شرایط فعلی به عهده سیستم خل اختلاف سازمان تجارت جهانی واگذار شده است. اصل اول گات (شرط کامل‌الوداد)، طرفهای مذاکره‌کننده را ملزم می‌کند که در مقابل تمام طرفهای تجاری خود رفتار یکسان داشته باشند و در تجارت، تبعیض قابل نشوند. به عبارت دیگر اگر دولتی، امتیازی برای یک طرف تجاری خود در نظر گیرد این امتیاز به کلیه کشورها تسری می‌یابد. استثنای این قاعده، مربوط به اصل بیست و چهارم گات است که اصول اتحادیه‌های گمرکی و مناطق آزاد تجاری برای تجارت کالا را مورد بحث قرار می‌دهد. این اصل، تصریح می‌کند که تسهیل تجارت بین اعضای اتحادیه یا منطقه آزاد تجاری یا

ترتیبات موقتی مجاز است، به شرط آنکه تجارت کالا با خارج از منطقه اتحادیه مشمول افزایش موانع تجاری (به عنوان مثال افزایش در تعرفه‌ها) نشوند. به عبارت دیگر، اعضای یک اتحادیه می‌توانند تعرفه‌های بین خود را کاهش دهند به نحویکه این کاهش شامل کشورهای غیر عضو خارج از اتحادیه شود، اما اعضای اتحادیه نمی‌توانند تعرفه‌های تجاری خود را برای کشورهای خارج از اتحادیه افزایش دهند.

همان‌گونه که از مطالب پیش گفته استنباط می‌شود، زبان اصل ۲۴ گات در مورد مدت تشکیل اتحادیه گمرکی گویا نبوده و صرفاً به این اکتفا می‌کرده که اتحادیه گمرکی یا منطقه آزاد تجاری می‌بایستی 'در مدت زمان معقول' تشکیل یابد. تفاهم دور اروگوئه^{۱۳} در تفسیر خود از اصل بیست و چهارم (گات ۱۹۹۴)، ابهام 'مدت زمان معقول' را رفع نموده و حداکثر مدت تکمیل زمان انتقال ترتیبات تجاری را ۱۰ سال تعیین کرده است (هارمس، ۱۹۹۴، ص ۹۵). با این وجود، به غیر از تعرفه، مقررات بازرگانی دیگری مانند عوارض گوناگون و مالیات‌های ضد دامپینگ در اتحادیه‌های گمرکی و مناطق آزاد تجاری وجود دارند که هنوز از نظر سازگاری با مقررات سازمان جهانی تجارت مورد ارزیابی قرار نگرفته‌اند. در کنفرانس وزیران سازمان تجارت جهانی در سنگاپور که در دسامبر ۱۹۹۶ برگزار گردید به موضوع موافقتنامه‌های منطقه‌ای نیز پرداخته شد. در بیانیه این کنفرانس به جنبه مثبت این موافقتنامه‌ها در کمک به آزادسازی تجارت و ادغام اقتصادهای در حال توسعه و کمتر توسعه یافته در اقتصاد جهانی، اشاره شده است. در همین جا اعلام شده است که نظام سازمان تجارت جهانی از نظر حقوق و تعهداتی که مربوط به موافقتنامه‌های تجاری منطقه‌ای است نیاز به روشن‌گری بیشتر دارد.^{۱۴}

۳. حاشیه اقیانوس هند به عنوان یک منطقه اقتصادی

حاشیه ساحلی اقیانوس هند، از نادر مناطق جهان است که تا چندی پیش به عنوان یک قلمرو جغرافیایی یکپارچه، دارای یک اتحادیه یا هر گونه شکل منطقه‌ای نبود. اگر چه اغلب کشورهای واقع در حاشیه ساحلی این اقیانوس، حداقل در یکی از ترتیبات تجاری منطقه‌ای عضو می‌باشند اما همه این تشکلهای نواحی جغرافیایی پراکنده‌ای را در قاره‌های آسیا، آفریقا و اقیانوسیه در بر گرفته و اهداف منطقه‌ای و اقتصادی ویژه خود را دنبال می‌کنند. سخن به‌گزار نیست که بگوییم تا همین سالهای اخیر تصور بر پای یک بلوک همکاریهای اقتصادی و تجاری متشکل از همه کشورهای ساحلی اقیانوس هند، غیر ممکن می‌نمود. کشمکشهای ناشی از جنگ سرد و تاثیر آن بر تقریباً تمامی کشورها، مسأله نژاد پرستی

و آپارتاید در آفریقای جنوبی، خصوصتهای دیرینه بین هند و پاکستان، غلبه سیاستهای درون‌گرایانه اقتصادی بر سیاستهای اقتصادی بسیاری از کشورهای بزرگ و پر قدرت منطقه همچون هندوستان، گرایشهای تجاری و روابط اقتصادی خاص با مناطق یا بلوکهای معین مانند گرایش استرالیا به شرق آسیا و اقیانوسیه و نهایتاً انواع دلایل دیگر موجب شده است تا توسعه همکاریهای اقتصادی، تجاری و سرمایه‌گذاری بین کشورها در قالب یک اتحادیه فراگیر در حوزه اقیانوس هند، به طور جدی مطرح نگردد.

تحولات اخیر جهانی به همراه تغییر سیاستهای اقتصادی و به ویژه بازرگانی خارجی در اکثر قریب به اتفاق کشورهای این منطقه، زمینه‌سازی برای شکل‌گیری یک نهاد منطقه‌ای در حوزه اقیانوس هند فراهم ساخته است. با این وجود، کشورهای ساحلی این اقیانوس بیش از ۴۵ کشور را در بر می‌گیرند و چشم انداز یک سازمان منطقه‌ای بزرگ با وسعت جغرافیایی که ظرفیت رشد فزاینده همکاری، برای آن پیش‌بینی شده باشد ممکن است این مسأله را مطرح کند که شمار زیادتر اعضا، اهداف را ابهام‌آمیزتر کرده و قدرت واقعی خود سازمان را نیز زیر سؤال خواهد برد. از طرف دیگر، تشکیل نهادهای منطقه‌ای با تعداد اعضای پر شمار، تنوع منابع طبیعی، انسانی و وسعت جغرافیایی کم‌سابقه نبوده و می‌تواند به عنوان یکی از شاخصهای قدرت سازمان عمل نماید.

۴. پیشینه تلاشهای کشورهای حوزه اقیانوس هند به منظور ادغام اقتصادی

روابط بازرگانی گذشته کشورهای منطقه با یکدیگر، بیشتر بر پایه رابطه متقابل استوار بوده است. با این وجود، به جز معدودی از کشورهای حوزه مانند یمن و میانمار^{۱۵}، همگی از تجربه عضویت و پیشبرد اهداف و تعهدات حداقل یک اتحادیه و سازمان اقتصادی منطقه‌ای برخوردار می‌باشند. اتحادیه‌های مشهوری مانند آکو، آسه‌آن، کومسا، سارک، سادک، ایپک، شورای همکاری خلیج فارس، کمیسیون اقیانوس هند، موافقتنامه بانکوک از جمله ترتیبات تجاری این منطقه هستند که هر کدام تعدادی از کشورهای حاشیه ساحلی اقیانوس هند را در عضویت خود دارند (جدول ۱). با اینکه حداقل ۱۳ اتحادیه و بلوک اقتصادی منطقه‌ای در حوزه اقیانوس هند، از سالها قبل وجود داشته و بعضاً دارای عملکرد موفق بوده‌اند، هر یک منطقه محدودی را شامل شده و هیچ یک ناحیه وسیعی به بزرگی اقیانوس هند را در بر نمی‌گیرند.

۱۵. میانمار در ماه گذشته به عضویت آسه‌آن پذیرفته شد. عضویت این کشور به‌رغم فشارهای آمریکایی‌ها پذیرفتن این کشور به بهانه عدم رعایت حقوق بشر، تحقق پذیرفت.

جدول ۱- بلوک های اقتصادی منطقه‌ای^{۱۶} موجود در بین کشورهای حوزه اقیانوس هند

برحسب سال تشکیل

نام	سال تشکیل	تعداد کل اعضا	تعداد اعضای حوزه
سی بی آی	۱۹۹۳	۱۴	۵
سادک	۱۹۹۲	۱۱	۳
افتا (منطقه آزاد تجاری آسه. آن)	۱۹۹۲	۶	۴
جامعه اقتصادی آفریقا	۱۹۹۱	۵۱	۸
ای. ای. سی.	۱۹۹۰	۱۱	۴
ایپک	۱۹۸۹	۱۸	۵
اکو	۱۹۸۵	۱۰	۲
سارک	۱۹۸۵	۷	۵
کمیسیون اقیانوس هند	۱۹۸۴	۴	۳
کومسا	۱۹۸۲	۲۰	۶
شورای همکاری خلیج فارس	۱۹۸۱	۶	۶
موافقتنامه بانکوک	۱۹۷۵	۶	۳
آسه آن	۱۹۶۷	۶	۴
ساکو	۱۹۱۰	۵	۱

ماخذ: Saur, 1996/97

همان طور که جدول بالا نشان می دهد، اکثر ترتیبات منطقه ای در حوزه اقیانوس هند نیز در دو دهه اخیر تشکیل و رسماً تاسیس یافته اند اما برخی از آنها نیز دهها سال پیشینه فعالیت دارند. بررسی هدفهای ترتیبات تجاری منطقه‌ای که در جدول ۱ از آنها نام برده شده، آشکار می سازد که این ترتیبات غالباً هدفهای اقتصادی را دنبال کرده و بسیاری از آنها آزاد سازی تجاری را در اولویت امر قرار داده اند. جمله قدیمی ترین این گروه بندیها، اتحادیه گمرکی جنوب آفریقا (ساکو) که یک بازار مشترک بوده و در سال ۱۹۱۰ با هدف مبادله آزاد کالا بین اعضا، تشکیل شده است. در این گروه بندی، ادغام کالا و نیروی کار به خوبی انجام شده است. از میان کشورهای حوزه اقیانوس هند، آفریقای جنوبی عضو ساکوست. سازمان همکاری اقتصادی (اکو) که جمهوری اسلامی ایران و پاکستان از اعضای آن می باشند، تاکنون موفق به کاهش برخی از تعرفه ها و به وجود آوردن کمیته های مختلف برای همکاری در بخشهای مختلف اقتصادی و فرهنگی شده است.

۱۶ نام مختصر و نام کامل بلوکهای مذکور در بیوست ۱ به زبان انگلیسی آمده است.

کشورهای عربی واقع در حاشیه خلیج فارس که در عین حال در حوزه اقیانوس هند نیز واقع شده اند، عضو شورای همکاری خلیج فارس هستند. این شورا در سال ۱۹۸۱ با قصد به وجود آوردن یک بازار مشترک تشکیل شد و در دستیابی به هدف مبادله آزاد کالا و حذف موانع گمرکی بین ۷ کشور عربی عضو، موفق بوده است.

چهار کشور واقع در حوزه اقیانوس هند: اندونزی، مالزی، سنگاپور و تایلند، عضو یکی از مشهورترین و با سابقه ترین گروهبندیهای کشورهای در حال توسعه در شرق آسیا یعنی آسه آن، می‌باشند. این گروهبندی در سال ۱۹۷۷ با امضای موافقتنامه ترتیبات ترجیحی آسه آن^{۱۷} آغاز به کار کرد و با به وجود آوردن منطقه آزاد تجاری آفتا^{۱۸}، در سال ۱۹۹۲، آزاد سازی تجاری را در منطقه آغاز کرده است.

در میان اقتصادهای کوچکتر حوزه اقیانوس هند، ۳ کشور موریتوس، سیشل و ماداگاسکار عضو کمیسیون اقیانوس هند هستند که تاکنون به موفقیت‌هایی در زمینه همکاریهای بخشی مانند ماهیگیری، حمل و نقل و ارتباطات دست یافته‌اند. کشورهای آفریقای جنوبی، تانزانیا و موزامبیک از اعضای جامعه توسعه جنوب آفریقا (سادک) می‌باشند که سابقاً کنفرانس هماهنگی توسعه جنوب آفریقا نامیده می‌شد و در سال ۱۹۸۰ با هدف کاهش وابستگی کشورهای عضو به آفریقای جنوبی از طریق جذب کمکهای خارجی تشکیل شد. در سال ۱۹۹۲، سادک تأسیس شد و از عضویت آفریقای جنوبی استقبال کرد. از سال ۱۹۸۸، این گروهبندی، ارتقای تجارت را از جمله اهداف خود قرار داد و تاکنون موفق شده است پروژه‌های مشترکی در زمینه‌های کشاورزی، تجدید حیات صنعتی و حمل و نقل و ارتباطات به مورد اجرا درآورد.

همکاریهای اقتصادی آسیا-اقیانوس آرام (ایپک) با عضویت ۱۸ کشور واقع در حاشیه ساحلی اقیانوس آرام، از جمله گروه بندی‌هایی است که با تعداد اعضای پرشماری که در سطوح مختلف توسعه قرار دارند و با هدف ارتقای همکاریهای اقتصادی چند جانبه، نزدیکترین گروهبندی به همکاریهای اقتصادی کشورهای حوزه اقیانوس هند از نظر داشتن مرز آبی با یک اقیانوس به عنوان وجه مشترک تمام اعضا، می‌باشد. این گروه در سال ۱۹۸۹ تأسیس شد و تاکنون چندین نشست برگزار کرده است. هدف از این نشستها آزادسازی بیشتر تجارت در میان کشورهای عضو است. ۵ کشور از اعضای ایپک در زمره کشورهای حوزه اقیانوس هند می‌باشند. این کشورها عبارتند از: استرالیا، اندونزی، سنگاپور، مالزی و تایلند.

از ۷ کشور عضو اتحادیه همکاریهای منطقه جنوب آسیا (سارک)، پنج کشور در زمره کشورهای حوزه اقیانوس هند هستند. کشورهای عضو سارک، هدف آزاد سازی گام به گام تجارت خارجی خود را دنبال

می‌کنند. در آخرین نشست وزرای سارک (دسامبر ۱۹۹۶، دهلی‌نو) پیرامون کاهش تعرفه‌ها و برقراری تعرفه‌های ترجیحی ۲۰۰۰ کالا توافق به عمل آمد^{۱۸} که نشانه علاقه و انگیزه سارک در دستیابی به اهداف خود می‌باشد.

علاوه بر آنچه که در بالا ذکر شد، کشورهای عضو اقیانوس هند، عضو گروه‌بندیهای دیگر اقتصادی - تجاری نیز هستند که نشان دهنده تلاش این کشورها در جهت ادغام اقتصادی منطقه‌ای و افزایش سطح مبادلات درون منطقه است. فعال بودن کشورهای حوزه در پیوستن به این گونه ترتیبات، گواه بر این امر است که منطقه‌گرایی یکی از شاخصهای کلیدی اقتصاد جهانی و روند ادغام جهانی اقتصادهاست. باید به این نکته توجه داشت که اغلب این ترتیبات در اواخر دهه ۱۹۸۰ و اوایل دهه ۱۹۹۰ به وجود آمده‌اند و ادغام اقتصادی در میان کشورهای عضو هنوز به آن اندازه پیشرفت نداشته است که بتواند مورد ارزیابی دقیقی قرار گیرد.

۵. میزان موفقیت ترتیبات تجاری منطقه‌ای

منافع اقتصادی منطقه‌گرایی کشورها با سیاستهای توسعه آنها رابطه مستقیم دارد. در مورد کشورهای در حال توسعه، اولین انگیزه منطقه‌گرایی را می‌توان در نتیجه صنعتی شدن این کشورها از طریق جایگزینی واردات منطقه‌ای جستجو نمود، با این فرض که صنایع نوپا بتواند ابتدا درون بازارهای حفاظت شده منطقه‌ای به صادرات بپردازند (ملو^{۱۹}، صص ۲۰۱ و پروف^{۲۰}، صص ۸۵). کشورهای کمتر توسعه یافته، استراتژیهای توسعه خود را به سرعت تغییر دادند. به دنبال استعمارزدایی از آفریقا و آسیا، این کشورها به طور روزافزونی شروع به پرورش مفاهیم توسعه اقتصادی نمودند. به نحوی که بسیاری از کشورهای کمتر توسعه یافته تعرفه‌های بالایی را به عنوان استراتژی جایگزینی واردات برقرار کردند و موافقتنامه‌های ادغام اقتصادی در میان این کشورها که از اتحادیه اروپا الهام گرفته بود به نظر ایده‌آل می‌رسید.

ارزیابی‌های اولیه به عمل آمده از تشکلهای منطقه‌ای مرکب از کشورهای در حال توسعه، نشان می‌دهد که تجربه کلی این کشورها از نظر سطح مبادلات درون منطقه‌ای که ناشی از این گونه ترتیبات باشد حاکی از افزایش مبادلات آنها نیست. طی بیش از دو دهه، سهم صادرات درون منطقه‌ای نسبت به کل صادرات اعضای آسه آن تقریباً ثابت مانده و از ۲۰ درصد تجاوز نمی‌کند. این رقم در بین اعضای اولیه

۱۸. وزارت بازرگانی، بولتن روزانه، شماره ۷۲۳، مورخ ۷۵/۱۰/۲، صص ۱۵

اکو (ایران، ترکیه، پاکستان) همواره کمتر از ۵ درصد بوده است. از دیگر تشکلهای اقتصادی منطقه‌ای که اوایل دهه ۱۹۸۰ تشکیل شده‌اند و می‌توان عملکرد آنها را حداقل در یک دهه مورد ارزیابی قرار داد، شورای همکاری خلیج فارس و کومسا می‌باشند.

جدول ۲- سهم صادرات درون منطقه ای بلوکهای اقتصادی منتخب از کل صادرات (درصد)

نام	۱۹۷۰	۱۹۸۰	۱۹۸۵	۱۹۹۰	۱۹۹۲	۱۹۹۳
ایپک	۵۷/۱	۵۷/۵	۶۸/۸	۶۹	۶۹/۳	۶۷/۲
آسه آن	۲۱/۱	۱۶/۹	۱۸/۴	۱۸/۷	۱۹/۱	۲۰
موافقتنامه بانکوک	۱/۵	۲/۲	۲/۴	۱/۷	۱/۸	۲/۵
کومسا	۹/۶	۱۲/۱	۵/۵	۷/۶	۶	۷
اکو	۳/۳	۱۸/۴	۹/۹	۳	۴/۴	۱/۴
شورای همکاری خلیج فارس	۶	۳	۴/۹	۷/۹	۷/۱	۷/۶
سارک	۴/۶	۵	۴/۵	۳	۳/۸	۳/۵
سادک	۵/۲	۵/۱	۴/۷	۵/۲	۴/۲	۵/۱

ماخذ: UNCTAD, 1994

همان‌طور که در جدول ۲ می‌توان مشاهده نمود، روند مبادلات درون گروهی هر دو اتحادیه، افزایش نداشته است. با نگاهی به ترکیب کشورهای عضو، ترتیبات تجاری منطقه‌ای سراسر جهان را از نظر سطح توسعه یافتگی کشورهای عضو، می‌توان به ۳ گروه تقسیم کرد:

- ۱- سازمانهای اقتصادی منطقه ای کشورهای صنعتی
- ۲- سازمانهای کشورهای در حال توسعه
- ۳- سازمانهای منطقه‌ای که با عضویت هر دو گروه کشورهای صنعتی و در حال توسعه (مختلط) تشکیل یافته‌اند.

از میان اتحادیه‌ها و سازمانهای منطقه‌ای نوع سوم، می‌توان به‌طور مشخص از دو شکل مختلط نام

برد: اول، موافقتنامه تجارت آزاد آمریکای شمالی (نفتا) و دوم، همکاریهای اقتصادی آسیا و اقیانوس آرام (ایپک). نفتا در سال ۱۹۹۴ بین سه کشور آمریکا، کانادا و مکزیک تشکیل شد. در سال ۱۹۹۴، حجم تجارت بین این سه کشور به بیش از ۴۵ درصد رسید که در مقایسه با تشکلهای کشورهای در حال توسعه سهم قابل ملاحظه‌ای را تشکیل می‌دهد. ایپک با شرکت ۱۸ کشور ساحلی اقیانوس آرام در سال ۱۹۸۹ تشکیل شد. این تشکل خود چند سازمان منطقه‌ای دیگر از جمله نفتا و آسه آن را در بر میگیرد. حجم مبادلات درون گروهی ایپک رقم قابل ملاحظه‌ای را تشکیل میدهد. سهم صادرات درون منطقه اعضای ایپک از ۵۷ درصد کل صادرات در سال ۱۹۷۰، روند افزایشی خود را حفظ و به ۶۷ درصد در سال ۱۹۹۳ رسانیده است (جدول ۲). در سال ۱۹۹۶، میانگین رشد اقتصادی کشورهای ایپک حدود ۴ درصد برآورد شده است. انتظار می‌رود که این رقم برای سال ۱۹۹۷ نیز حفظ شود. طبق آمار سال ۱۹۹۵، در آمد کشورهای ایپک معادل ۵۵ درصد کل درآمد کشورهای جهان و ۴۰ درصد کل تجارت جهانی بوده است.^{۲۱} ایپک از نظر وسعت، شمول و ترکیب اعضا وجوه تشابه زیادی با همکاریهای اقتصادی حوزه اقیانوس هند دارد.

۶. اتحادیه همکاریهای منطقه ای کشورهای ساحلی اقیانوس هند به عنوان یک منطقه اقتصادی-تجاری

در ماه مارچ سال ۱۹۹۵، در پی گفتگوهای رسمی و غیر رسمی میان چندین کشور حاشیه ساحلی اقیانوس هند، جزیره موریس میزبان نمایندگان رسمی ۷ کشور حوزه اقیانوس هند در تکاپوی بررسی راههای همکاریهای منطقه‌ای میان کشورهای حاشیه ساحلی این اقیانوس بودند. کشورهای میهمان عبارت بودند از: استرالیا، سنگاپور، هند، عمان، کنیا و آفریقای جنوبی. گرچه این نشست، یک اجلاس رسمی بود اما دولت موریس از کشورهای شرکت کننده درخواست کرد نمایندگانی از بخش خصوصی، بازرگانان و دانشگاهیان را نیز در هیأت‌های شرکت‌کننده خود بگنجانند. تصمیم بر آن شد که در نشستهای بعدی، نمایندگان غیر رسمی (تجار، اتاقهای بازرگانی، دانشگاهیان و موسسات تحقیقاتی) در کنار نمایندگان رسمی این ۷ دولت شرکت داشته باشد.

در اواسط سال میلادی ۱۹۹۵ نیز نمایندگان رسمی و غیر رسمی ۲۳ کشور ساحلی اقیانوس در شهر پرت^{۲۲} در غرب استرالیا گرد آمدند و طی کنفرانسی مبنی بر ایجاد تشکل منطقه ای مرکب از کشورهای واقع در حاشیه ساحلی اقیانوس هند، توافق به عمل آوردند. کشورهای شرکت کننده عبارت بوهند از

۲۱. مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی، بولتن روزانه بازرگانی، شماه ۷۰۶ مورخ ۷۵/۹/۶، ص. ۱۲.

استرالیا، هند، آفریقای جنوبی، کنیا، موریس، عمان، سنگاپور، بحرین، بنگلادش، اندونزی، ایران، کویت، ماداگاسکار، مالزی، مالدیو، موزامبیک، پاکستان، عربستان سعودی، سیشل، سریلانکا، تایلند و امارات متحده عربی. در این گردهمایی، نمایندگان دولتی این کشورها به همراه تعدادی از اساتید و دانشگاهیان، نمایندگان بخش خصوصی (اتاقهای بازرگانی) و صاحبان صنایع و شرکتهای (در مجموع ۱۲۲ شرکت کننده) حضور داشتند. هدف اصلی این نشست، بحث و تبادل نظر پیرامون بهبود همکاریهای اقتصادی کشورهای حاشیه اقیانوس هند بود. در مذاکرات مربوط به این نشست، تحولات بین المللی سیاسی و اقتصادی و تغییر در پیشبرد مسایل جهانی، اختتام دور اروگوئه و گات، تشکیل سازمان تجارت جهانی به منظور ارتقای آزاد سازی تجارت جهانی و روند رو به رشد منطقه گرایبی مورد توجه و بحث قرار گرفت. حاصل این نشست، توافق برای تاسیس یک جامعه منطقه‌ای با سه تشکیلات موازی بود که نمایندگان بخش دولتی، تجاری و دانشگاهی را به منظور ارتقای همکاریهای اقتصادی، گرد هم آورد. بدین ترتیب در کنار توافقنامه های رسمی دولتی (شبکه دولتی)، شبکه مشورتی بازرگانی^{۲۳} و شبکه تحقیقاتی^{۲۴} تشکیل شدند.

۷. اعضای رسمی

ابتکار همکاریهای حوزه اقیانوس هند در مارس ۱۹۹۵ مبنی بر برگزاری گردهمایی در موریس موجب شد که یک چهارچوب نهادی برای همکاری تدوین شود و پیشنهاد یک مجمع رسمی نیز، مطرح گردد. به دنبال این نشست، در سپتامبر همان سال، اجلاس دیگری برگزار شد که با عضویت ۷ کشور استرالیا، هند، کنیا، موریس، عمان، سنگاپور و آفریقای جنوبی، به عنوان اعضای رسمی (یا به عبارتی شبکه دولتی) تاسیس شد. سال بعد، تعداد اعضای رسمی با عضویت ۷ کشور دیگر یعنی اندونزی، ماداگاسکار، مالزی، موزامبیک، سریلانکا، تانزانیا و یمن به ۱۴ کشور افزایش یافت. طی نشستی که در سپتامبر ۱۹۹۶ با حضور این ۱۴ کشور در موریس تشکیل شد، نام این تشکل "اتحادیه همکاریهای منطقه‌ای کشورهای ساحلی اقیانوس هند"^{۲۵}، برگزیده شد. در همین نشست، پیش نویس منشور اتحادیه تهیه گردید و در شورای وزیران در آفریقای جنوبی که در ماه مارس ۱۹۹۷ تشکیل شد به تصویب رسید. در این منشور، اهداف، حدود عضویت، ساختار تشکیلاتی و مسایل مالی مورد اشاره قرار گرفتند. شایان ذکر است که مباحث درون گروهی ۱۴ عضو دولتی، تا حدودی محرمانه باقی مانده و مسأله شمول اعضای بیشتر در این گروه تحت تأثیر مسایلی از قبیل اختلافات هند و پاکستان قرار دارد.

23. Indian Ocean Rim Consultative Business Network (IORCBN)

24. Indian Ocean Rim Research Network (IORRN)

25. The Indian Ocean Rim - Association for Regional Co-operation

۸. شبکه های بازرگانی و تحقیقاتی اتحادیه

در کنار اعضای رسمی این اتحادیه، بسیاری از کشورهای حوزه اقیانوس هند که هنوز دارای عضویت رسمی نمی‌باشند، از طریق اعزام نمایندگان اتاقهای بازرگانی و صنایع و نیز اساتید و پژوهشگران دانشگاهی و موسسات تحقیقاتی به‌طور غیررسمی در اجلاسها حضور یافته و دیدگاههای کشور متبوع خویش را منعکس می‌سازند. در ماه ژوئن ۱۹۹۵ طی نشست استرالیا، تاسیس شبکه مشورتی بازرگانی کشورهای حاشیه اقیانوس هند به تصویب رسید. گروه اقتصادی که در گردهمایی پرت تشکیل شد، به‌منظور ارتقای همکاریهای اقتصادی این تشکل منطقه‌ای دو محور را تعیین نمود. این دو محور عبارت بودند از به‌وجود آوردن تسهیلات تجاری و تمرکز همکاریها در بخشهای دارای اولویت. بدین ترتیب، تصمیم بر آن شد که عضویت شبکه مشورتی بازرگانی به روی همه بازرگانان باز باشد.

پس از تصویب تشکیل یک شبکه تحقیقاتی، اولین اجلاس شبکه تحقیقاتی اقیانوس هند در دسامبر ۱۹۹۵ در دهلی نو با حضور ۵۱ نماینده از ۱۱ کشور بر پا شد. در این کنفرانس، ۱۳ پیشنهاد طرح تحقیقاتی مطرح شد. تصمیمهای کلی که در این کنفرانس در مورد طرحهای تحقیقاتی اتخاذ شد، عبارتند از:

۱- همه طرحهای تحقیقاتی با مشارکت حداقل ۳ محقق از ۳ کشور حاشیه اقیانوس هند به اجرا درآید.

۲- موضوعهای تحقیق محدود به یک کشور خاص نباشد و دیدگاه منطقه‌ای (نه ملی) را دنبال کند.

۳- هدف ارتقاء همکاریهای منطقه‌ای را دنبال کند.

گروه مشاور شبکه، مرکب از ۶ عضو شامل آفریقای جنوبی، استرالیا، هند، پاکستان، ایران و اندونزی تعیین شد. به‌طور کلی، پروژه های مورد تصویب و نیز فعالیتهای شبکه تحقیقاتی، تحت تأثیر تصمیمهای اعضای رسمی قرار دارد. شبکه تحقیقاتی، معمولاً همزمان با نشستهای رسمی اتحادیه همکاریهای اقیانوس هند و به موازات هر اجلاس تشکیل می‌شود. ممکن است این رویه در آینده دستخوش تغییراتی شده و اعضای شبکه نیز محدود به اعضای شبکه دولتی شوند.

۹. مختصری در مورد مفاد منشور اتحادیه همکاریهای منطقه‌ای کشورهای حاشیه اقیانوس هند

منشور اتحادیه همکاریهای اقتصادی حاشیه اقیانوس هند، در ابتدا به صورت پیش نویس اولیه توسط نمایندگان دولتهای عضو که در قالب یک گروه کاری همکاری داشتند، تهیه شد و در نشست ۷ دولت اولیه عضو، در ماه مه ۱۹۹۶ در موریس به تصویب رسید. پیش نویس نهایی این منشور در سومین نشست گروه کاری دولتی که در سپتامبر ۱۹۹۶ در موریس برگزار شد، توسط ۷ دولت جدید عضو نیز به تصویب رسید. سند نهایی منشور همزمان با اجلاس آفریقای جنوبی در ماه مارس ۱۹۹۷ با رأی ۱۴ عضو دولتی این اتحادیه تصویب شد.

۱- ۹. چکیده مفاد منشور

این اتحادیه مجمعی از نمایندگان دولتی، تجاری و دانشگاهی بوده و همکاریهای اقتصادی را تسهیل نموده و ارتقا می‌دهد. با توجه به روح چند جانبه‌گرایی، اتحادیه در جستجوی ایجاد و گسترش تفاهم و منافع متقابل همکاری، بر پایه توافق و احترام به حقوق دیگران بر پایه اصول زیر می‌باشد:

- همکاری در حاشیه اقیانوس هند بر پایه احترام به برابری حق حاکمیت، یکپارچگی قلمرو هر کشور، استقلال سیاسی، عدم مداخله در امور داخلی، همزیستی مسالمت آمیز و منافع متقابل می‌باشد.
- این اتحادیه، تمام دولتهای مستقل حاشیه اقیانوس هند که به اهداف و اصول منشور پایبند بوده و به پذیرش تعهد در لوای منشور مایل باشند را پذیرا خواهد بود.
- تصمیم‌گیری در مورد کلیه موارد و مسایل و در تمام سطوح، به اتفاق آرا خواهد بود.
- مسایل دو جانبه و موضوعاتی که موجب اختلاف نظر بوده و مانعی بر سر تلاشهای همکاری منطقه‌ای می‌باشد از موضوع مذاکرات حذف خواهند شد.
- همکاری در چارچوب اتحادیه، خالی از حقوق و تعهدات دولتهای عضو در دیگر ترتیبات همکاری اقتصادی و تجاری است (که همزمان عضو می‌باشند) و این تعهدات نمی‌تواند خود به خود به دولتهای عضو این اتحادیه تعمیم یابد.
- در این اتحادیه، دولتهای عضو اقدامات لازم به منظور ارتقای دستاوردهای مربوط به هدفهای اتحادیه را دنبال خواهند نمود و از دست زدن به عملی که به هدفها و فعالیتهای اتحادیه لطمه وارد آورد، خودداری خواهند نمود.

با نگاهی به محتوای این منشور می توان نتیجه گرفت که این اتحادیه فراگیر بوده و به قصد در بر گرفتن تمامی کشورهایی که در حوزه آبی اقیانوس هند قرار دارند، تشکیل یافته است. با این وجود، بار اختلافات گذشته بین برخی از کشورهای حوزه و گرایشها و ملاحظات سیاسی دیگر، ممکن است بر روابط درونی این اتحادیه سایه افکننده و پذیرش اعضای جدید را با تاخیر مواجه سازد.

۱۰. جمع‌بندی

اولین تشکل منطقه‌ای به مفهوم امروزی آن، در اروپای پس از جنگ جهانی دوم به وجود آمد. تا چند دهه پس از آن، تشکلهای منطقه‌ای تحت تأثیر جنگ سرد و دو قطبی بودن اقتصاد و سیاست جهان قرار داشتند. تا دهه ۱۹۸۰، گروه‌بندیهای منطقه‌ای به دلیل رواج سیاستهای حمایتی میان کشورها، فعالیت شاخصی نداشتند و سیاستهای تبعیض‌گرایانه در تجارت خارجی را دنبال می‌کردند. از اواسط دهه ۱۹۸۰، تحولات مهمی در منطقه‌گرایی بوجود آمد، بسیاری از سیاستهای درون‌گرایانه کشورها ناشی از روی آوردن به آزاد سازی و تمایل آنها به ادغام در اقتصاد جهانی بود.

نظریه‌های مربوط به همسو بودن و سازگار بودن منطقه‌گرایی، با چند جنبه‌گرایی متفاوت و بعضاً متضاد است. سازمان جهانی تجارت نیز هنوز موضع آشکار و روشنی در این باره اتخاذ نکرده است اما نظارت بر عملکرد سازمانهای منطقه‌ای را در دستور کار خود قرار داده است.

در میان کشورهای حوزه اقیانوس هند، گرایش به منطقه‌گرایی چشمگیر و شایع است. کشورهای این حوزه در گروه‌بندیهای متعددی عضو می‌باشند که پاره‌ای از آنها از جمله قدیمیترین و مشهورترین گروه‌بندیهای جهان به‌شمار می‌روند. از آنجا که کشورهای این حوزه از نظر سطح توسعه یافتگی متفاوت از یکدیگرند، بررسی عملکرد تریبالات تجاری منطقه‌ای مشابه، می‌تواند منعکس‌کننده چشم‌انداز منطقه‌گرایی در این منطقه باشد.

نگاهی به عملکرد اقتصادی و حجم مبادلات گروه‌بندیهای اقتصادی منطقه‌ای کشورهای صنعتی و گروه‌بندیهای مختلط (کشورهای صنعتی و در حال توسعه)، نشان می‌دهد که این دو، بر خلاف تشکلهای کشورهای در حال توسعه، موفق بوده‌اند. با توجه به این تجربه و نیز با در نظر گرفتن ظرفیتهای کم‌نظیر منابع و مهارتهای این منطقه، می‌توان ادعا نمود که اتحادیه همکاریهای منطقه‌ای کشورهای حاشیه ساحلی اقیانوس هند که با مشارکت کشورهای صنعتی، تازه صنعتی شده و در حال توسعه شکل گرفته است بتواند عملکرد موفق‌تری در آینده داشته باشد. این اتحادیه هم‌اکنون دارای ۱۴ عضو رسمی است و در عضوگیری، چنانچه در منشور آن آمده است، سیاست درهای باز را برای کلیه کشورهای حاشیه اقیانوس هند دنبال میکند.

جمهوری اسلامی ایران از نظر عضویت در گروه‌بندیهای اقتصادی، از سابقه عضویت در سازمان همکاری اقتصادی (اگو) برخوردار می‌باشد. از دور جدید فعالیت اگو با توجه به ترکیب اعضای جدید، مدت کوتاهی نمی‌گذرد لذا قضاوت درباره عملکرد اقتصادی اگو را باید به سالهای آینده واگذار کرد. از طرفی، پیوستن جمهوری اسلامی ایران به یک تشکل منطقه‌ای مرکب از کشورهای در حال توسعه، تازه صنعتی شده و صنعتی، همچون اتحادیه همکاریهای کشورهای ساحلی اقیانوس هند، به‌طور بالقوه و با توجه به عملکرد گروه‌بندیهای منطقه‌ای مختلط همچون اپیک و نفتا، می‌تواند دستاوردهای زیادی را از نظر عملکرد اقتصادی و در جهت توسعه و تنوع صادرات کشور در بر داشته باشد. ایران با دارا بودن بیش از ۲۰۰۰ کیلومتر مرز آبی در خلیج فارس و دریای عمان و با داشتن راه آهن جاده ابریشم که اتصال شرق به غرب محسوب می‌شود و نیز ساختار اقتصادی مناسب و محکم، می‌تواند به یکی از اعضای فعال و مهم این اتحادیه منطقه‌ای تبدیل شود.



جدول شماره ۳- سهم کشورهای حاشیه اقیانوس هند در تجارت جهانی و حوزه اقیانوس، ۱۹۹۵ (درصد)

کشور	سهم از صادرات جهان*	سهم از صادرات حوزه	سهم از واردات حوزه
استرالیا	۱/۱۷	۱۹/۲۵	۱۲/۸۱
بحرین	۰/۱۰	۳۳/۴۵	۵۸/۴۴
بنگلادش	۰/۰۵	۶/۳۵	۳۱/۴۴
هند	۰/۵۵	۲۲/۲۵	۲۷/۲۷
اندونزی	۰/۹	۸/۹۵	۱۲/۸۳
ایران	۰/۴۳	۱۱/۴۵	۱۹/۹
کنیا	۰/۰۴	۲۱/۹	۳۲/۶۵
کویت	۰/۱۱	۲۸	۵/۳
ماداگاسکار	۰/۰۱	۷/۱۴	۲۰/۸۶
مالزی	۱/۰۷	۳۲/۱۸	۲۱
مالدیو	۰/۰	۲۴	۹۹/۶۲
موریس	۰/۰۴	۳/۳۷	۳۵/۵
موزامبیک	۰/۰۱	۳۱/۳۶	۹۰/۳
میانمار	۰/۰۱	۶۱/۱۱	۸۶/۷۹
عمان	۰/۱۵	۲۲/۰۲	۳۸/۳
پاکستان	۰/۲۰	۱۹/۳۱	۳۵/۴
قطر	۰/۱۰	۲۶/۰۵	۱۷/۲۶
عربستان	۱/۲۳	۲۱/۶۲	۱۱/۰۷
سیشل	۰/۰	۱۷/۷	۳۷/۰۸
سنگاپور	۱/۷۵	۳۲/۳	۲۹/۵۵
سومالی	۰/۶۷	۷/۹۶	۵۱/۶۶
آفریقای جنوبی	۰/۰۶	۹/۹۲	۳۶/۰۶
سريلانكا	۰/۰۱	۳۶/۹۳	۴۰/۹۵
تانزانیا	۰/۸۷	۲۴/۱۳	۱۶/۳
تایلند	۰/۴۸	۳۰/۰۳	۲۲/۶۵
امارات عربی		۲۷/۳۴	۴۴/۷۸
یمن			

*. آمار مربوط به سال ۱۹۹۶ می باشد.

ادامه جدول ۴ - ماتریس تجارت میان کشورهای حوزه آقیانوس هند (صادرات). ۱۹۹۵

بیم	امارات متحده	تایلند	تانزانیا	آفریقای سریلانکا	سومالی	سنگاپور	سیشل	عربستان	قطر	پاکستان	عمان	صادرکننده <
۲۸	۴۱۱	۷۷۷	۲	۳۹	۲۷۱	۲۵۹۲	۶۵۸	۱۲۷	۹۱	۹۱	۵	استرالیا
	۷۵	۳۲	۲	۲	۲۶	۱۵۰۱	۱۵۰۱	۸	۳۰	۵۳	۵۳	بحرین
	۷۲	۱۹۲	۱	۱۰	۵۸۹	۸۸	۸۸	۱	۱۵۳	۱۵۳	۱۴	بنگلادش
۳	۱۴۴۹	۳۹۰	۵۸	۲۵	۱۵۵۵	۱	۱۶۹۱	۸۹	۳۹	۳۹	۲	هند
	۳۹	۸۱۱	۱۱	۲	۹۱	۵۱۴	۵۱۴	۱۰	۵	۵	۲	اندونزی
	۸۸۳	۱۹۱	۱	۲۲	۵۵	۱۲۲	۲۱۸	۴	۱۲۳	۱۲۳	۴۶۲	ایران
۶	۳۷۷	۵۰	۱۱	۴	۳۳۰	۴۹	۶۱	۱۹	۱۹	۱۹	۲۴	کوبا
		۱۱۱			۷۲	۲۰	۲۱	۲	۳	۳	۲۴	کویت
	۳۲	۱۵۵۴	۲۲	۲۲	۱۸۵	۳۲۶۶۵	۲۰۷	۹	۴۶	۴۶	۷	ماداگاسکار
۴۲	۱۸	۱۴	۱۴	۱	۱۰۱	۱۰۱	۲	۶۹	۱	۱	۷	مالزی
	۶	۳۶	۲	۱۸۸	۹۴	۱۶	۲	۱۶	۱۶	۱۶	۱۶	مالدیو
	۲۸	۱۲	۲	۶۸۷	۷	۶۵	۶۵	۶۵	۳	۳	۳	موریتوس
	۱۰۸۸	۲۱	۲	۱۰	۱	۶۳۷	۸۶	۶	۳۲	۳۲	۳	موزامبیک
۱	۴۹۶	۲۰۵	۱۵	۴۵	۲	۵۰	۵۱۶	۶۳	۱۸	۱۸	۴۹	میانمار
۱	۱۰۹	۶۱	۳	۳	۲۹	۲۹	۱۰۷	۶۰	۲۲۵	۲۲۵	۵۰	عمان
۳۳	۳۳۲	۵۶۷	۷	۲۲	۸۹	۲۲۶	۱۰۷	۶۰	۱۸	۱۸	۴	پاکستان
	۱	۲			۵۲	۵۲	۹	۶۰	۲۲۵	۲۲۵	۵۰	قطر
۳۷	۱۳۰۵	۷۹۱۷	۱۴	۴۹	۲۱۹	۵۲	۹	۲۶۶	۸۸	۸۸	۲۰۴	عربستان
۱۱	۸	۱۰	۲	۱	۲۹	۲۹	۱۴	۲۶۶	۱۶	۱۶	۲۰۴	سیشل
۵۷	۲۴	۲۱۶	۵	۱۵	۵۱	۳۷۷	۲۷	۲۷	۵۵	۵۵	۴۴	سنگاپور
	۵۴	۴۵		۶۳	۱	۴۴	۴۰	۲۷	۱۶	۱۶	۴۴	سومالی
۱۳۳	۶۱۷		۲۲	۲۱	۶۸۲۴	۶۸۲۴	۱۳	۵۲۱	۸۲	۸۲	۴۴	آفریقای ج
۱۹	۱۰۰۸	۱۰۰۸	۲۲	۴۶	۸۴۹	۸۴۹	۱۰۰۱	۱۲۳	۳۵۵	۳۵۵	۱	سریلانکا
			۲۲	۲۱	۶۸۲۴	۶۸۲۴	۱۳	۵۲۱	۸۲	۸۲	۱۱۲	تانزانیا
			۲۲	۲۱	۶۸۲۴	۶۸۲۴	۱۳	۵۲۱	۸۲	۸۲	۶۲۱	تایلند
			۲۲	۲۱	۶۸۲۴	۶۸۲۴	۱۳	۵۲۱	۸۲	۸۲	۳۵۵	امارات متحده
			۲۲	۲۱	۶۸۲۴	۶۸۲۴	۱۳	۵۲۱	۸۲	۸۲	۲	بیم
			۲۲	۲۱	۶۸۲۴	۶۸۲۴	۱۳	۵۲۱	۸۲	۸۲	۲	بیم

جدول ۵- ماتریس موازنه تجاری میان کشورهای حوزه اقیانوس هند، ۱۹۹۵

میانمار	موریتوس	مالدیو	مادانگاسکار	کویت	کوبا	ایران	اندونزی	هند	بنگلادش	بحرین	استرالیا	خالص صادرات استرالیا
-۱	-۷	-۲	-۹۸۰	-۱	-۱	-۲۶۹	-۹۱۵	-۵۹۴	-۶۲	-۲۴	استرالیا	
۲	+۱	-۳	-۱۱	-۱۱	-۱۱	۲۰	-۹	-۲۲۲	۱	۲۲	بحرین	
۱۲۳	-۲۶	-۳۱	۲۸۱	۲۷	-۷	-۲۰	۵۸	۸۸۱	-۱	۶۸	بنگلادش	
-۳۱	۱	-۴	-۲۴۵	۱۷۱۳	-۲۴۴	۳۳۶	-۲۰۲	-۹۵۸	۶۵۴	۳۶۱	هند	
۲	۴	-۳	۶۶	-۱۳	-۱۳	۱۷۸	-۲۰۰	۲۱۷	۶	۶۴۷	اندونزی	
-۱	-۱	-۲۴	-۱۶	-۲۵	-۲۵	۳۳	۹	-۹۱۴	۲۷	-۲۱	ایران	
۸	-۶	-۱۱	۴۰	۱	۱	۲۲	۱	-۱۷۵۳	۶	۹	کوبا	
-۱۹۲	-۴	-۱۱	۱۰۰	-۱۳	-۱۰	-۸۳	۳۷	-۴۱۵	-۴۴	۵	مادانگاسکار	
			۹				۴	۱۲		۳	مالدیو	
			۳۱				۱۳۶			۱	موریتوس	
			۴				-۲	۲۲		۶	موزامبیک	
			-۹				-۱۳۹	-۳		۱	میانمار	
			۳۰				۲	۸۴		۹	عمان	
			-۱				-۱۰	۳۳		۲۹	پاکستان	
			-۷۶				-۱	-۶۹		۹	قطر	
			۱۱۰				۵۲	۴۱۱		-۱۲۶۹	عربستان	
			۲				-۱	-۱		۲	سیشل	
-۵۰۹	-۶	-۹۷	۵۳۹۴	-۲۱	-۲۶	۲۹۹	-۱۵۹	-۳۷۳		۷۰	سنگاپور	
			۵۹				۴				سومالی	
			-۲۴۳				-۲۷	۹۸		-۵۲	آفریقای ج	
۹	-۱	-۴	۱۶۱	۷۷	۷۷	۹۴	۳۴۴	۶		۴۰	سری لانکا	
			-۵				۳	۷		۲	تانزانیا	
-۴۶	-۲	-۱	۸۵۱	-۹۲	-۴۲	-۷	-۲۸۱	۳۱۵		-۱۰	تایلند	
۴	-۳۷	-۷	۴۵۱	-۲۹۲	-۷۱۱	۱۹۴	-۲۸۸	-۶۹		۳۷	امارات متحده	
			۸۲	۲۷	۵	۱۹	۲۹	-۲۹		۲۲	یمن	

ادامه جدول ۵- ماتریس موازنه تجاری میان کشورهای حوزه اقیانوس هند، ۱۹۹۵

امارات متحده	یمن	امارات متحده	تایلند	اندونزی	مالزی	سنگاپور	سومالی	سری لانکا	آفریقای ج	سومالی	عربستان	قطر	پاکستان	عمان	خاص صادرات
۶۲	۲۷	-۵۴۳	-۵	-۵۲	-۱۱۲	۷۸۹	-۲	۴۴۲	۸۳	-۷	-۲۹	۳۷	-۷۶	استرالیا	
۴۷	۴۱	۱۷۲	-۳	-۲	۱	-۸۲	۱۲۰۰	-۱۲	-۱۲	-۲۹	۳۷	-۲۹	۳۷	بحرین	
۱۲	۱۲	-۳۲۹	-۲۰	-۳۸۷	-۱۱۴	۱	۹۵۶	۱	۵۷	۱۱۸	-۲	-۴۲	-۲	بنگلادش	
-۴۰۸	۱۳۹	۱۳۹	-۶	-۹۵	۷	-۵	-۲۵۶	-۱۰	۱۲۸	-۱۲	-۲۶	-۹۵	-۹۵	هند	
۸۸۲	-۳۳	۳۶	-۱۳۹	-۴	۲۲	-۶۵	۴۰	۵۰	۱۵۸	-۶۵	۱۵۲	-۶۵	۱۵۲	اندونزی	
۲۶۳	۷۸	۷۸	-۱۰۹۲	-۱۰۹۲	۱۷	۲۰	-۷۰	-۶۲۹	-۱۰۲	-۱۰۲	-۱	-۶۲۹	-۱	کوت	
-۷۳۳	-۱۶۸۱	-۱۶۸۱	-۱۸۳	-۱۸۳	-۸۷	۳۳۱۵	-۲	-۶۸	-۳	-۹۲۳	-۲۵	-۹۲۳	-۲۵	مالدووا	
۱۸	۱۳	۲۴	۲	۲	۱	۹۸	۲	۶۹	۱	۱	۱	۱	۱	مالزی	
۶	۲۴	۲۴	۱۸۳	۱۸۳	۸۱	۸۱	-۴	۶۶	۱۴	۱۴	۱۴	۱۴	۱۴	مالدیو	
۲۸	۱۰	۱۰	۴۵۵	۴۵۵	-۱	۶	-۱	۶۶	-۲۸	-۲۸	-۲۸	-۲۸	-۲۸	موریتوس	
۱۰۸۷	۱۲	۱۲	-۱۰	-۱۰	۱۰	۳۲۶	۱	۳۱	-۲۲	-۲۲	-۲۲	-۲۲	-۲۲	موزامبیق	
۴۹۱	۱۴۰	۱۴۰	-۳	-۱۶	۳	-۱۹۴	۱	۳۶۲	۱۴	۱۴	۱۴	۱۴	۱۴	نیپال	
-۲۶	-۶۲۲	-۶۲۲	-۳۲	-۳۲	۳	-۱۵	-۱۵	۴۱	-۵۱	-۵۱	-۵۱	-۵۱	-۵۱	عمان	
-۲۶۰	۶۷	۶۷	-۹۷	-۲۲	۵۹	۷۳	-۳۶۷	-۵۸	-۳۴۲	-۳۴۲	-۵۲	-۳۴۲	-۵۲	پاکستان	
۱	-۱۲	-۱۲	-۲۶۵	-۲۶۵	-۲۶	۵۱	-۵۶	۳۲۱۹	۲۴۴	-۱۳۳	۱۴۹	-۱۳۳	۱۴۹	قطر	
۳۷۱	۳۷۵۵	۳۷۵۵	-۴۴	-۲۶۵	-۲۶	۵۱	-۵۶	۳۲۱۹	۲۴۴	-۱۳۳	۱۴۹	-۱۳۳	۱۴۹	عربستان	
-۸	۱۰	۱۰	۱	۱	۱	-۸۴	-۸۴	-۴	-۴	۱۴	۲۱	۱۴	۲۱	سینگل	
-۳۷	۱۹۲	۱۹۲	-۶۵	-۶۵	۵۱	۳۱۳	-۳۳	۱۶	-۵۳	-۵۳	-۴	-۵۳	-۴	سنگاپور	
-۱	۳۰	۳۰	۳۷	۳۷	۵۸	۲۹	-۲	۸۶	۳۰	-۱	۱۱۱	-۱	۱۱۱	سومالی	
-۱	۳۰	۳۰	۳۷	۳۷	۵۸	۲۹	-۲	۸۶	۳۰	-۱	۱۱۱	-۱	۱۱۱	آفریقای ج	
-۴۹۲	۳۳۰	۳۳۰	-۲۷	-۲۷	-۱۱	۴۰۶	۱۱	۳۳۵	۱۵	۵۵	۵۹۸	۵۵	۵۹۸	سری لانکا	
-۲۰۵	۱۸۳	۱۸۳	-۲۵	-۲۵	۵۷	-۵۹۰	-۱	۴۲۶	۳	-۱۹۱	-۱۱۹۵	-۱۹۱	-۱۱۹۵	تایلند	
۱۸۳	-۲۸	-۲۸	۵	۵	-۵۷	۹	-۲۱۱	۱۰۱	-۹	-۹	-۹	-۹	-۹	امارات متحده	

ادامه جدول ۶- ماتریس واردات میان کشورهای حوزه اقیانوس هند، ۱۹۹۵

بیم	امارات	تایلند	تانزانیا	سری لانکا	سری قیقایج	سنگاپور	سومالی	سیشل	میرستان	قطر	پاکستان	صمان	واروکنده، <
۶	۳۴۹	۱۳۲۰	۷	۹۱	۳۸۳	۱۸۰۳	۳	۳۲۵	۴۴	۱۶۱	۸۱	استرالیا	
۱	۱۳۳	۸۳	۴	۹	۳	۱۰۹	۲۰۱	۲۰	۶۹	۶۹	۱۶	بحرین	
	۱۱	۲۰	۴	۱۳	۳	۲۴	۷	۲	۳۵	۳۵	۲	بنگلادش	
۳۵	۱۴۳۷	۶۶۹	۷۸	۴۳۲	۲۶۹	۹۲۱	۳	۵۱۰	۳۳	۸۱	۱۰۹	هند	
۲۱	۴۴۷	۶۷۲	۱۷	۹۷	۸۴	۵	۳۸۶	۱۴	۱۱۷	۳۸	۳۸	اندونزی	
	۱	۳۳۳	۱۱۲	۱۱۲	۱۵	۴۷۶	۶۰	۱۴	۱۸۸	۱۰	۱۰	ایران	
۶	۱۴	۱۴	۱۵۰	۸	۱۰	۶۵	۶	۱۱	۱۳۳	۱۳۳	۱	کنیا	
	۵۹		۳۳	۳۳	۱	۱۱۶۷	۷۰	۶۵۳				کویت	
۱۰۲	۷۵۶	۳۳۳۵	۲۰	۲۰۵	۳۷۲	۱۹۲۵۰	۲	۲۷۵	۱۲	۹۶۹	۴۲	ماداگاسکار	
	۱			۱۲	۱۲			۱				مالتزی	
				۳	۳			۲				مالدیو	
				۳۳	۳۳			۴				موریتوس	
				۱۰	۱۰			۱				موزامبیک	
				۴۰	۴۰			۳۱				میانمار	
۱۰	۳	۱	۹	۶۱	۲۴۴	۵۵	۵۵	۷	۵۴	۵۴	۱۰۹	عمان	
	۵	۶۵	۱۸	۶۱	۱۵۴	۱۹	۱۹	۲۵	۲۵	۲۵	۲۵	پاکستان	
	۱۳۵	۶۸۳	۳۳	۳۳	۶۶	۶۶	۶۶	۶۹	۶۹	۶۹	۶۹	قطر	
۱۵۳	۵۸۳	۹۰	۱۰۴	۶۶	۳۷۹۶	۱۱۸	۱۱۸	۵۶۸	۵۶۸	۵۶۸	۱۰۲	عربستان	
				۲	۲	۱	۱					سیشل	
۵۵	۹۴۴	۴۱۶۳	۴۸	۴۱۴	۴۳۳	۵۷	۵۷	۲۲۱	۲۲۱	۲۲۱	۵۵	سنگاپور	
	۳۳	۱۶		۱	۹۸	۹۸	۹۸	۲	۲	۲	۲	سومالی	
	۶۱	۷۲	۷۰	۵۶	۷۷	۳۴	۳۴	۱۰۸	۱۰۸	۱۰۸	۱۳	آفریقایج	
	۵	۷۲	۲۳	۲۳	۲۴	۲۴	۲۴	۴	۴	۴	۴	سری لانکا	
	۳۴	۳۴	۲۴	۲۴	۸	۱۷	۱۷	۲	۲	۲	۲	تانزانیا	
۱۱	۱۱۰۹		۴۹	۳۳۸	۱۱	۶۴۱۸	۳	۳۸۶	۶۷	۵	۳۳	تایلند	
	۳۳۴		۶۷۸	۵۷	۷۸	۱۳۳۶	۱	۳۴۵	۱۳۰	۵۴۶	۱۱۹۶	اماراتمتحدہ	
			۳۱	۹۱	۳۳	۳۳	۳۸	۳۸	۳۸	۳۸	۳۸	۲	یمن

شوش گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 رتال جامع علوم انسانی

ANNEX 1

AEC (African Economic Community)

AFTA (ASEAN Free Trade Area Agreement)

APLC (Asia Pacific Economic Cooperation Forum)

ASEAN (Asssocation of South East Asian Nations)

BANGKOK AGREEMENT

CBI (Cross Border Initiative)

COMESA (Common Market for Southern Africa)

EAEC (East Asian Economic Caucus)

ECO (Economic Cooperation Organization)

GCC (Cooperation Council for the arab States of the Gulf)

IOC (Indian Ocean Commission)

SAARC (South Asian Association for Regional Cooperation)

SACU (Southern African Customs Union)

SADC (Southern African Development Community)

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

منابع

- ۱- اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران، "منطقه‌گرایی و تجارت"، نامه اتاق بازرگانی، شماره ۱۲، ۱۳۷۴، تهران
- ۲- توکلی، زهرا، "کنفرانس جامعه اقیانوس هند"، دیدگاهها و تحلیلهای، شماره ۱۰۷، سال دهم دی و بهمن ۱۳۷۵، وزارت امور خارجه
- ۳- وزارت بازرگانی، بولتن روزانه بازرگانی، شماره های مختلف، موسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی
- ۴- وزارت بازرگانی، گزارش شرکت هیأت جمهوری اسلامی ایران در نهمین اجلاس کنفرانس تجارت و توسعه ملل متحد (آنکتاد ۹) در آفریقای جنوبی مورخ ۸ لغایت ۲۲ اردیبهشت ۷۵، دفتر امور بین‌الملل، معاونت بازرگانی خارجی، مرداد ۱۳۷۵
- 5- Bhagwati, Jagdish and Panagariya, Arvind, " The Theory of Preferential Trade Agreements: Historical Evolution and Current Trends", The American Economic Review, Volume 86, No 2, pp. 82-87, May 1996, USA.
- 6- Brahmabhatt, Milan and Dadush, Uri (1996). " Disparities in Global Integration", Finance and Development, Volume 33, No 3. Quarterly Publication of the IMF and the World Bank, september 1996.
- 7- Cheney, David(1996), " International Issues Prominent at AEA Meeting", IMF Survey, Washington DC, January 22, 1996.
- 8- Harmsen, Richard and Leidy, Michael (1994), " Regional Trading Arrangement", The Uruguay Round and Beyond, Volume II, Background Papers, IMF
- 9- Helleiner, G.K.(1996), " Why small Countries Worry: Neglected Issues in Current Analyses of the Benefits and Costs for Small Countries of Integrating with Large Ones", The World Economy, Vol. 19 No 6, November 1996
- 10- Indian Ocean Centre, " Joint Statement, Indian Ocean Rim Initiative International Meeting of Experts, Mauritius, March 29-31 1995 ", Indian Ocean Review, Volume 8 Nos. 2-3, June/September 1995
- 11- Melo, James(1992)," The New Regionalism in Trade Policy ",The World Bank, Washington DC.
- 12- Sampson, Gary P., " Compatibility of Regional and Multilateral Trading

Agreements: Reforming the WTO Process", The American Economic Review, Volume 86, No 2, pp. 88-92, May 1996, USA.

13- Saur, K.g., Munchen New Providence,(1996)," Yearbook of International Organizaions", four volumes, 3rd edition, 1996/97, Munchen, London,Paris.

14- Tijris (1996), " Regional Trading Arrangements and LDCs", Volume 1, No 4, July 1996, Morocco.

15- UNCTAD (1995), " Handbook of International Trade and Development Statistics 1994",UN Publications , New York.

16- United Nations (1996), " The least Developed Countries 1996 report", UNCTAD, New York.

17- Vernon, Raymond (1996), "Passing Through Regionalism: The Transition to Global Markets", The World Economy, Vol.19 No. 6, November 1996

18- World Trade Organization, " Focus", WTO News letter, various issues.

19- Zattler, Jürgen (1996), " Trade Policy in Developing Countries, A New Trade Policy Consensus?", Intereconomics, September/October 1996, Institut für Wirtschaftsforschung, Hamburg.